



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

برآمدن شیعہ و تشیع

کریم خان محمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برآمدن شیعه و تشیع

نویسنده:

کریم خان محمدی

ناشر چاپی:

کریم خان محمدی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	برآمدن شیعه و تشیع
۶	مشخصات کتاب
۶	شناسنامه کتاب
۶	پیشگفتار
۶	ظهور تشیع
۹	ظهور شیعه
۱۰	باورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

برآمدن شیعه و تشیع

مشخصات کتاب

عنوان: برآمدن شیعه و تشیع (معرفی و تلخیص کتاب)

پدیدآورندگان: کریم خان محمدی (پدیدآور)

شناسنامه کتاب

کتاب نشأ الشیعه و التشیع، [۱] نوشته آیه الله شهید سید محمدباقر صدر، در اصل مقدمه‌ای بوده بر کتاب تاریخ الامامیه و أسلافهم من الشیعه، [۲] اثر دکتر عبدالله فیاض که توسط دکتر عبدالجبار شراره با حواشی سودمندی به صورت مجزا به جامعه علمی تشیع ارائه شده است. این کتاب با عنوان برآمدن شیعه و تشیع، [۳] توسط محقق ارجمند حجة الاسلام مهدی زندیه به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۸۱ ش، «دائرة المعارف فقه اسلامی» کتاب مذکور را منتشر نموده است که علاوه بر مباحث شهید صدر، حاوی مقدمه‌ای مختصر از مترجم فارسی و مقدمه دیگری به همراه مقاله مفید و مبسوط «زمینه‌سازی تربیتی - فکری برای ولایت و خلافت حضرت علی علیه السلام» از دکتر شراره می‌باشد.

پیشگفتار

مباحث شهید صدر با نظم و نسق قابل تحسینی، که منطبق با شیوه‌های تحقیق امروزی می‌باشد، با طرح مسئله‌ای در یک پیش‌گفتار شروع شده است که «منشأ پیدایش شیعه چیست؟» آیا تشیع به مثابه یک «رویداد ناگهانی در جامعه اسلامی» است؟ برخی شیعه را یک جریان تاریخی دانسته و حداکثر ریشه آن را در دوران خلافت امام علی علیه السلام جستجو می‌کنند. شهید صدر معتقد است: این باورها از آنجا ناشی شده‌اند که شیعه در صدر اسلام، جزء کوچکی از مجموع امت اسلامی بود و این حقیقت موجب شد شیعه نبودن در جامعه اسلامی، قاعده و اصل بوده، تشیع استثنا و رویدادی ناگهانی باشد، در حالی که منطقی نیست کثرت عددی و قلت نسبی، اساس تشخیص قاعده و استثنا، یا اصل و فرع قرار گیرد. [۴]. شهید صدر با مفروض تلقی کردن عدم تلازم میان حقیقت و اکثریت، در پی جست‌وجو ریشه تشیع می‌باشد. فرضیه ایشان در این تحقیق، آن است که «شیعه و شیعه‌گری ریشه در دوران ۲۳ ساله رسالت دارد.» با توجه به حقیقت مذکور، مسئله شیعه و تشیع در پاسخ به دو پرسش ذیل در دو فصل مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱. تشیع چگونه تولّد یافت؟ ۲. شیعه چگونه به وجود آمد؟

ظهور تشیع

در این فصل، به پیدایش تشیع از نگاه شهید صدر پرداخته شده است. نبی اکرم صلی الله علیه و آله رسالت عظیم هدایت بشر و تحوّل تمام عیار در رسوم، تشکیلات و مفاهیم جامعه را به عهده داشت و راه این تحوّل و دگرگونی کوتاه نبود، بلکه به درازای فاصله عظیم معنوی بین جاهلیت و اسلام، طولانی بود، و این هدف می‌بایست تحقق پیدا می‌کرد. تحقق این هدف، در گرو استمرار شیوه رسول الله صلی الله علیه و آله پس از رحلت ایشان در جامعه اسلامی بود و روشن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌بایست به آینده اسلام فکر کند. سه راه بیشتر در مقابل آن حضرت نسبت به آینده دعوت اسلامی متصور نبود: الف. راه منفی: عدم اظهار نظر درباره خلافت؛ ب. راه مثبت: نمودار در شورا؛ ج. تعیین رهبر آینده. الف. فرض اول - یعنی موضع منفی و وانهادن

امر خلافت امت اسلامی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله - پندار صحیحی نیست؛ زیرا چنین موضعی از دو امر ناشی می‌شود که هیچ کدام بر حضرت منطبق نیست: اول اینکه پیامبر هیچ خطری برای آینده دعوت اسلامی احساس نمی‌کرد و معتقد بود: امت اسلامی از انحراف مصون خواهد بود، در حالی که این امر با واقعیت خارجی انطباق نداشت؛ زیرا امت اسلامی با خطراتی همچون برخورد صحیح با خلافت ناشی از فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله، عدم رشد دینی، تناقضات قبیله‌ای، وجود منافقان و تازه مسلمان شده‌های پس از فتح مکه مواجه بودند و مستندات تاریخی بروز خطرات مذکور را پس از رسول الله گواهی می‌دهند؛ همان گونه که امت اسلامی چنان از فقدان آن حضرت شوکه شدند که صحابی معروف صدا زد: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمرده است و هرگز نمی‌میرد.» [۵] و تناقضات قبیله‌ای مهاجران و انصار گفتمان حاکم بر سقیفه گشت و تعداد زیادی از مسلمانان پس از فتح مکه مرتد گردیدند. [۶] پس امر اول به گواه تاریخ، ابطال گشته و عدم پیش‌بینی این امور با ساحت قدس پیامبر سازگار نیست. دوم آنکه نگاه او مصلحت‌اندیشانه باشد؛ یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی‌رغم احساس خطر نسبت به آینده امت، تلاشی در جهت رفع این خطرات نکند؛ زیرا آینده برای وی اهمیت ندارد، منافع و دستاوردهای زمان حیات برای ایشان مهم است! علاوه بر آنکه این تفسیر بر هیچ یک از مصلحان جهانی انطباق ندارد، به ویژه با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و اخلاص و از جان گذشتگی ایشان در راه هدایت امت سازگار نیست. دل‌مشغولی ایشان به سپاه اسامه در آخرین لحظات حیات [۷] و درخواست کاغذ و دوات برای نوشتن وصیتی که امت هرگز گم‌راه نگردد، [۸] گواه این مدعاست. پیامبری که در دوران رسالت هیچ‌گاه نیاسود و هیچ مزدی جز «مودت اهل بیت علیهم السلام» نخواست، چگونه ممکن است متهم به مصلحت‌اندیشی و وانهادن امر خلافت گردد؟! ب. فرض دوم - یعنی موضع مثبت نمایان در نظام شورایی نیز با خصلت وقایع و موقعیت عمومی و ثابت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دعوت اسلامی سازگار نیست. برای روشن‌تر شدن مطلب، چند نکته قابل توجهند: اول. مقتضای چنین برداشتی از سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن است که ایشان پیش از رحلت، نظام شورایی و حدود و جزئیات آن را به امت نوپای اسلامی بیاموزد، در حالی که در احادیث منقول از ایشان و همچنین در ذهنیت امت اسلامی - دست کم ذهنیت مسلمانان اولیه - نظام شورایی نمودار نیست؛ زیرا نسل اول مسلمانان در برگیرنده دو جریان فکری بود: - رویکرد اول جریان اهل بیت علیهم السلام که بر وصایت و امامت تأکید می‌ورزید و با فرض شورا به طور مبنایی مخالف بود. - رویکرد دوم جریان عمده و حاکم که در سقیفه بنیان‌گذاری شد. تمام شواهد و اسناد موجود نشان می‌دهند که این جریان نیز به نظام شورایی اعتقاد نداشت و گفتمان حاکم بر نظام فکری و مواضع عملی این جریان اعتقاد به شورا را تأیید نمی‌کند. پس آنچه در سقیفه اتفاق افتاد، توارث قبیله‌ای بود، نه انتخاب بر اساس نظام شورایی. برای تأیید مطلب مزبور، به ملا-حظه برخی از شواهد تاریخی می‌پردازیم: - ابوبکر هنگامی که بیماری‌اش شدت می‌گیرد، به عثمان امر می‌کند وصیتش را چنین بنویسد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. این وصیتی است از ابوبکر، خلیفه رسول خدا، به مؤمنان و مسلمانان. درود بر شما. خدای را حمد و ستایش می‌کنم. اما بعد، همانا عمر بن خطاب را به عنوان حاکم بر شما گماشتم. بنابراین، به سخن او گوش دهید و از وی اطاعت کنید.» [۹]. - وقتی مردم از عمر می‌خواهند فردی را برای جانشینی انتخاب کند، می‌گوید: «اگر یکی از این دو مرد - یعنی سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیده جراح - زنده بودند، امر حکومت را به یکی از آن دو می‌سپردم و به او و ثوق می‌یافتم و اگر سالم زنده بود، هیچ‌گاه شورا را انتخاب نمی‌کردم.» [۱۰] در نهایت، وی شورای شش نفره را انتخاب می‌کند. با توجه به نمونه‌های مزبور، یعنی شیوه‌ای که خلیفه اول و دوم در تعیین خلیفه طی کردند و عدم اعتراض عموم مسلمانان و همچنین روح حاکم بر منطق دو جناح رقیب مسلمان صدر اسلام متشکل از مهاجران و انصار در روز سقیفه و جهت‌گیری روشن مهاجران به سمت اختصاص و انحصار حکومت به خود و عدم مشارکت دادن انصار در این امر و تأکید و آمادگی بسیاری از انصار بر قبول توجیه‌هایی همچون وراثت، که عشیره پیامبر را سزاوارترین وارثان می‌نمایاند و نیز نظریه «دو امیری»، که یکی از انصار و دیگری از مهاجران باشد، و ابراز تأسف ابوبکر - که در این معرکه بنده خلافت شده بود -

از این که چرا از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد امر خلافت سؤال نکرده است - همه این‌ها به نحو تردیدناپذیری روشن می‌سازند که نسل اولیه ائمت اسلامی دارای ذهنیت شورا و اندیشه‌ای نبود که حدود و ثغور آن را تعیین کند. با این اوصاف، چگونه ممکن است پیامبر امر خلافت را به شورا واگذارد، در حالی که هیچ گونه فرهنگ‌سازی و تمهیدی در این زمینه نداشته است؟ - اگر بنا بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر حکومت را به نظام شورایی واگذارد، لازم بود ائمت اسلامی را از نظام شورایی و حدود و جزئیات آن آگاه ساخته، مهر تقدس دینی بر آن بزند و جامعه را از لحاظ ذهنی و روانی برای پذیرش چنین نظامی آماده سازد. - با مراجعه به احادیث منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و رفتار و ذهنیت مسلمانان اولیه شامل مهاجر و انصار به وضوح روشن می‌گردد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظام شورایی و جزئیات قانونی و مفاهیم نظری آن سخنی به میان نیاورده است. ممکن است تصور شود حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله اندیشه شورا را به گونه‌ای لازم و با حجمی که اوضاع آن زمان می‌طلبید، به لحاظ کمی و کیفی مطرح کرده و در همان زمان، به همه مسلمانان رسانده، اما انگیزه‌های سیاسی و منافع جریان حاکم موجب کتمان حقیقت شورا و جزئیات آن گشته‌اند. به عبارت روشن‌تر، همچنان که جریان اصلی ائمت اسلامی سخنی از ولایت و وصایت علی علیه‌السلام به میان نیاورد و داستان «غدير خم» و نظایر آن را به بوته فراموشی سپرد، ممکن است نظریه «شورا» و مشارکت عامه ائمت را با اغراض سیاسی به تصمیم‌گیری نخبگان ذی نفع و کودتای سقیفه تقلیل داده باشد. اما تصور مذکور ناتمام است؛ زیرا گرچه ممکن است جریان حاکم از بروز اجتماعی نظریه «شورا» پیش‌گیری نموده و نگذاشته باشد این طرح به منصفه ظهور برسد، ولی نمی‌توانست کل اندیشه را چنان محو نماید که این گفتمان به دست ما نرسد؛ همچنان که مقایسه جریان ولایت با شورا ناتمام است؛ زیرا داستان ولایت از طریق مسلمانان معمولی، که در ساخت هرم سقیفه سهمی نداشته‌اند به تواتر به دست ما رسیده است. پس گرچه طرح «وصایت» به منصفه ظهور نرسید، اما جزئیات آن نسل به نسل و به صورت متواتر از طریق توده خارج از حاکمیت به دست ما رسیده است، ولی شواهد دالّ بر گفتمان شورا به اجماع مرکّب، در دو جریان فکری وجود ندارند. بنابراین، اگر شورا از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله در سطح مطلوبی مطرح بود، دیگر نصوص آن در انحصار ارباب سیاست قرار نمی‌گرفت، بلکه همگان آن را می‌شنیدند و به طور طبیعی، توسط صحابی عادی به دست ما می‌رسید. ج. فرض سوم - یعنی موضع مثبت در چارچوب انتخاب و تعیین جانشین - تنها راه معقولی است که با اوضاع آن روز و هدف نهایی پیامبر صلی الله علیه و آله سازگار می‌باشد. احادیث متواتر شیعی از قبیل حدیث دار، ثقلین، منزلت، غدیر و ده‌ها حدیث نبوی دیگر، نظریه سوم را به اثبات می‌رسانند. مطالعه سیره زندگانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شیوه معاشرت ایشان با حضرت علی علیه‌السلام به روشنی این نظر را به ذهن متبادر می‌سازند که پیامبر صلی الله علیه و آله در صدد تربیت انسانی شایسته و هم‌شان خود برای تولی امر ولایت بودند. [۱۱]. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا نظریه دوم - یعنی فرضیه شورا - با نظریه مردم‌سالاری دینی سازگارتر نیست؟ به عبارت دیگر، گرچه واگذاری امر خلافت از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به شورای ائمت، ممکن است جامعه اسلامی را با چالش‌هایی مواجه سازد، اما در نهایت امر، با آزمون و خطا به بلوغ سیاسی خواهد رسید و راهی جز این وجود ندارد که ائمت اسلامی حاکم بر سرنوشت خویش باشد و بتواند رهبرش را خود انتخاب کند و بهترین شیوه انتخاب - دست کم در جهان امروزی - که بشریت بدان مهر صحت زده، شیوه انتخاب ائمت است که با نظریه «شورا» تناسب دارد. شهید صدر گرچه برای این مبحث فصل جداگانه‌ای باز نکرده است، اما پاسخ این سؤال در محتوای گفتار ایشان به وضوح بیان شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسالت عظیمی بر عهده داشت و این رسالت در یک فرایند طولانی مدت، به اهداف نهایی نایل گشت. چگونه ممکن است ائمتی که پیش از نبوت هیچ تجربه‌ای از نظام متکامل حکومتی نداشت، بتواند عهده‌دار نظام شورایی - یعنی مترقی‌ترین نظام - گردد، در حالی که ائمت نبوی زمان اندکی از تربیت نبوی بهره‌مند شده‌اند و تربیت آن حضرت نسبت به قدیمی‌ترین صحابه معدودی که از آغاز راه با حضرت بودند، از بیست سال و نسبت به انبوهی دیگر از صحابه، که از انصار به شمار می‌آیند، از یک دهه و نسبت به خیل عظیمی

که از صلح حدیبیه و سپس فتح مکه به اسلام گرویدند، از سه یا چهار سال تجاوز نمی‌کرد. بنابراین، «ولایت» در اندیشه صدر نه شیوه سرمدی حکومت انتصابی، بلکه ادامه فرایند رسالت برای ارتقای امت اسلامی به سطحی از اندیشه است که بتواند در عصر غیبت، بار انتخاب ولی اصلح را به دوش بگیرد. اما واگذاری امامت امت به شورای اصحاب، در حالی که فرایند تربیت اسلامی به سطح مطلوب نرسیده، «خلف» و نقض غرض است. همچنان که تجربه تاریخی نشان داده است، پس از چند دهه، خلافت اسلامی به استبداد میل نمود و بنی امیه و بنی عباس عهده‌دار حکومت گردیدند. اگر از ابتدا علی علیه‌السلام سکاندار خلافت می‌گشت و مضمون نامه ایشان به مالک اشتر منشور عملی حاکمان اسلامی می‌گردید و این شیوه دو سده ادامه پیدا می‌کرد و مردم سالاری دینی در رجم حکومت جدید التأسیس اسلامی نه ماهه می‌گشت، جوامع اسلامی هرگز حکومت‌های استبدادی را تجربه نمی‌کردند. «بنابراین، واقعیت خارجی جریان رهبری دعوت اسلامی پس از رحلت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و دستاوردهای آن پس از ربع قرن، از جمله نتایج هستند که استنباط قبلی را تأیید و اثبات می‌کنند. سپردن رهبری و زمام امور سیاسی و فکری دعوت اسلامی به گروه مهاجران و انصار به طور مستقیم و بلافاصله پس از رحلت پیامبر، کاری زودرس و پیش از وقت طبیعی‌اش بود و از این رو، معقول نیست حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله چنین تصمیمی اتخاذ کرده باشد.» [۱۲].

ظهور شیعه

در این فصل، شهید صدر به چگونگی بروز و ظهور شیعه و تقسیم امت اسلامی به دو گروه شیعه و سنی می‌پردازد. اگر در فصل پیشین سخن از اصل و اساس تشیع بود، در این فصل، سخن بر سر خاستگاه شیعه به عنوان یک جماعت مذهبی و گروه دینی است که شهید صدر در تبیین این موضوع، به سه مبحث می‌پردازد: الف. در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله دو گرایش عمده وجود داشتند: گرایش تبعّد دینی که به تسلیم در برابر نصوص دینی در کلیه عرصه‌های زندگی اعتقاد داشت. طرفداران این گرایش همواره و در کلیه موارد، مطیع صرف رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. گرایش اجتهاد در مقابل نص که تبعّد را در محدوده‌ای خاص از قبیل مسائل عبادی و غیبی لازم می‌دانست و در سایر شئون زندگی، در صورت صلاحدید، تغییر و تعدیل نصوص دینی را جایز می‌دانست. نمونه‌های گرایش «اجتهاد در مقابل نص»، عدم تبعّد در همراهی با سپاه اسامه در آخرین لحظات زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، مخالفت با صلح حدیبیه از سوی برخی اصحاب، [۱۳] عدم ارائه قلم و دوات به رسول الله صلی الله علیه و آله برای نوشتن وصیتی که امت هرگز گم‌راه نشود، می‌باشند. [۱۴] بازتاب دو گرایش موجود در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله پس از رحلت ایشان نیز در موضع‌گیری نسبت به نظریه «امامت و زعامت حضرت علی علیه‌السلام» انعکاس پیدا می‌کند. پیروان گرایش «تبعّد» با توجه به نصوص به جای مانده از رسول خدا صلی الله علیه و آله، بر ولایت علی علیه‌السلام پافشاری می‌کنند، در صورتی که پیروان گرایش «اجتهاد در مقابل نص» طبق مصلحت خویش، نص را کنار گذاشته، به اجتهاد و مصلحت‌اندیشی می‌پردازند. در همین زمینه بود که بلافاصله جماعت «شیعه» به منصب ظهور رسید؛ افرادی بر مضمون حدیث غدیر و نصوص پیامبر پای می‌فشارند. اما اجتهادی که شیعه به آن قایل می‌باشد، استنباط حکم شرعی از نصوص و ادله شرعی است. شیعه اجتهاد در مقابل نص را جایز نمی‌شمارد. ب. امامت اهل بیت علیه‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام، که تشیع مبین و نمودار آن است، بیانگر دو گونه مرجعیت می‌باشد: مرجعیت فکری و مرجعیت سیاسی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصا هر دو مرجعیت را برعهده داشت، جانشینان ایشان نیز باید بتوانند عهده‌دار هر دو مرجعیت باشند؛ یعنی علاوه بر اداره امور سیاسی جامعه، بتوانند نظر اسلام را در عرصه اندیشه و زندگی ارائه دهند و همواره مبین و مفسّر مسائل قرآن کریم باشند که اولین منبع و مرجع فکری در اسلام محسوب می‌شود. در اندیشه شهید صدر، حدیث «ثقلین» و حدیث «غدیر» تبلور هر دو نوع مرجعیت در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. پیروان گرایش «تبعّد و تسلیم در مقابل نص» با توجه به محتوای دو نص مذکور، بر رهبری معنوی و سیاسی ائمه اطهار

علیهم‌السلام التزام دارند، در حالی که پیروان گرایش «اجتهاد در مقابل نص» به دنبال مشاوره محدودی در سقیفه طبق معیارها و مصالح متغیر زمان، مرجعیت سیاسی و رهبری حکومت را به خلفا سپردند. این در حالی است که این جریان نتوانست مرجعیت فکری را به عهده بگیرد؛ زیرا مرجعیت فکری حد بالایی از معلومات و احاطه بر مکتب را می‌طلبد و روشن است که این درجه از توان علمی در هیچ‌یک از صحابه به تنهایی با قطع نظر از اهل بیت علیهم‌السلام وجود نداشت. بدین‌روی، علی‌رغم میل باطنی، خلفا امور مشکل فکری را به حضرت علی علیه‌السلام حواله می‌نمودند و بارها به مرجعیت فکری ایشان اقرار نمودند. جمله «اگر علی نبود، قطعاً عمر هلاک می‌شد و خداوند مرا برای مشکلی زنده نگذارد که ابوالحسن برای حل آن نباشد» [۱۵] نمونه‌ای از این اقرارهاست. در نهایت، جدایی مرجعیت فکری و سیاسی منجر به واگذاری مرجعیت فکری به کل صحابه گردید که اختلافات عدیده‌ای به دنبال داشت و همین اختلافات گونه‌های وسیع‌تری از شکاف‌های عقیدتی و فکری را در پیکره امت اسلامی پدیدار ساختند. ج. برخی از پژوهشگران تلاش می‌کنند بین دو نوع از تشیع تمایز قایل شوند: یکی تشیع مذهبی - معنوی؛ و دیگری تشیع سیاسی. و معتقدند: «تشیع مذهبی - معنوی» قدمت بیشتری نسبت به «تشیع سیاسی» دارد. اینان معتقدند: پیشوایان شیعه امامیه پس از فاجعه کربلا، سیاست را کنار گذاشتند و ارشاد امت، عبادت و بریدن از دنیا را پیشه خویش ساختند. شهید صدر معتقد است: در نظریه تشیع، وجه معنوی - مذهبی از وجه سیاسی انفکاک‌ناپذیر است؛ همچنان که در خود اسلام این دو تفکیک‌پذیر نیستند؛ زیرا اعتقاد و ایمان به حضرت علی علیه‌السلام به عنوان خلیفه بلافضل پیامبر صلی الله علیه و آله و به جای هر یک از سه خلیفه دیگر، اعم از بعد سیاسی و معنوی است (با توجه به بند ب). یکی از اسباب ایجاد تصور مزبور، عدم قیام مسلحانه ائمه اطهار علیهم‌السلام پس از امام حسین علیه‌السلام علیه وضع موجود می‌باشد. در حالی که قیام مسلحانه تنها معنای محدودی از مبارزه سیاسی است، ائمه اطهار علیهم‌السلام همواره برای رسیدن به این هدف، تلاش می‌کردند و همواره آماده اقدام مسلحانه بودند، اما یار و یاور و قدرت تحقق بخشیدن به اهداف اسلامی را نداشتند. رهبران شیعه از نیمه دوم قرن اول، پس از یأس از همراهی مردمی وفادار و دستیابی به جنبش شیعی برای رسیدن به قدرت سیاسی، تلاش فکری و فرهنگی را پیشه خود ساختند و حفظ اصل اسلام را در مرحله نظر بر هر امر دیگری مقدم داشتند، گرچه در این مرحله نیز قیام‌های مسلحانه علویان مورد تأیید ائمه اطهار علیهم‌السلام بود.

باورقی

- [۱] منابع و مستندات در کتاب موجود می‌باشند. از آنجا که برخی از خوانندگان مجله ممکن است به کتاب دسترسی نداشته باشند، منابع برخی از نکات حساس درج گردید.
- [۲] عبدالله فیاض، تاریخ الامامیه و اسلافهم من الشیعه، بغداد، اسعد، ۱۳۹۰ ق (۱۹۷۰ م).
- [۳] سید محمدباقر صدر، برآمدن شیعه و تشیع، ترجمه مهدی زندیه، قم، دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۱.
- [۴] همان، ص ۱۹.
- [۵] محمد جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۲۳۳.
- [۶] همان، ج ۲، ص ۲۴۵.
- [۷] ابن اثیر، الکامل فی غریب الحدیث، تحقیق محمود محمد الطنجاجی، قم، اسماعیلیان، ج ۲، ص ۳۱۸.
- [۸] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دارالتعلم، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۳۷.
- [۹] محمد جریر طبری، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۲.]
- [۱۰] همان، ج ۲، ص ۵۸۰.
- [۱۱] مقاله «سیری در زندگانی امام اول شیعیان» در همین شماره مجله، این ادعا را به روشنی به نمایش می‌گذارد.

[۱۲] سید محمدباقر صدر، پیشین، ص ۷۹.

[۱۳] ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالکنوز الأدبیّه، ص ۳۱۶.

[۱۴] محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۱، ص ۳۷.

[۱۵] محمد بن سعد، الطبقات الکبری، چاپ داریبوت للطباعه، ج ۲، ۱۹۸۵ م.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

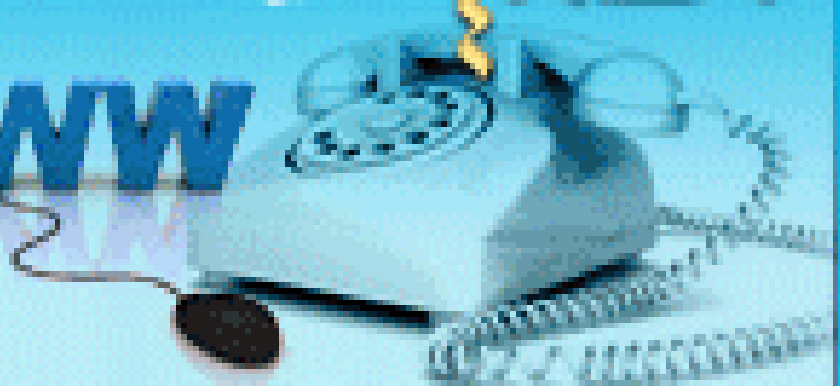
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید .

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹